

یادداشتهای بی تاریخ

صدرالدین الهی

E-mail: elahi1@aol.com • Fax: (925) 930-7868

به نقل از کیهان چاپ لندن

درآستانه سی امین سال حریق سینما رکس آبادان

آن زلزله ای که خانه را لرزاند

نادر نادرپور

اشاره: من در خرداد ماه سال ۱۳۵۷ (ژوئیه ۱۹۷۸) برای استفاده از فرصت تحقیقاتی دانشگاهی از جانب دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی به آمریکا آمدم. فضای آن روز دانشگاههایی که من در آن رفت و آمد داشتم (دانشگاه ایالتی سن حوز و دانشگاه کالیفرنیا-برکلی) از هر لحاظ قابل توجه بود. به این معنا که جو در هم ریخته و آشفته سیاسی ایران در تشکیلات متفاوت دانشجویان ایرانی اثر گذاشته و غالب این تشکیلات که از مخالفان سرسخت رژیم پهلوی در طول سالهای سال بودند، خود را به پیروزی نهایی نزدیک می دیدند. به این جهت گاه و بیگاه در محوطه دانشگاهها تظاهراتی با شرکت کوشندگان سیاسی صورت می گرفت و سخنرانانی که بیشتر جوانان پرشور انقلابی بودند به رژیم شاه حمله می کردند.

این کوشندگان طبعاً به هر ایرانی که تازه از ایران به خارج آمده و به قولی «همکار» رژیم بود به چشم غیر دوستانه ای می نگریستند و سعی داشتند با این اشخاص روبرو نشوند و یا اگر شدند آنها را به قول خود «افشا» کنند و طبعاً این بنده از این قاعده مستثنی نبود. اما من به اقتضای کنجکاوی حرفه ای از احوال آنان غافل نبودم. در تظاهرات، سخنرانها، اعلامیه پخش کردند حضور داشتم و علناً می دیدم که رژیم تهران دیگر هیچ پایگاهی در میان جوانان خارج از کشور ندارد. در این میان یک روز صبح انفجاری در دنیای خبر رخ داد. نه تنها دانشگاهها و دانشجویان بلکه مردم عادی و همه وسایل ارتباط جمعی به موضوع آتش گرفتن یک سینما در آبادان پرداختند. گفته شد که تمام تماشاگران داخل سینما رکس آبادان که برای دیدن فیلم گوزنهار رفته بودند در این آتش سوزی جان باخته و از میان رفته اند و علت هم آن بوده که هنگام وقوع آتش سوزی درهای خروج اضطراری سالن سینما قفل بوده است و تماشاگران در داخل سالن کباب شده اند. بلافاصله شایعات عجیب و غریبی بر سر زبانها افتاد. در مورد تعداد کشته شدگان اعداد غیر قابل قبولی که نمی توانست با گنجایش سینما همخوانی داشته باشد عنوان شد و سپس گروهی مخالف و بیشتر گروههای چپ این آتش سوزی را با آتش سوزی رایشناک عصر هیتلر مقایسه کردند و مدعی شدند که همانطور که هیتلر از آن آتش زدن برای سرکوب کمونیستهای رو به اوج آلمان استفاده کرد رژیم شاه هم می خواهد با این عمل جنایتکارانه خیزش خلقهای انقلابی ایران را سرکوب کند. برای من که همه سالهای جوانی و میانسالی را در بست و بلند این گونه شایعات گذرانده بودم این سؤال پیش آمد که رژیم متزلزل و نگرانی که از دولتهای سیزده ساله هویدایی به دولتهای دو سه ماهه و بی ثبات روی آورده است چه سودی از این کار می تواند ببرد؟ و اصولاً چه سرکوبی را می تواند با این بهانه به راه اندازد؟ وقایع بعد از این اتفاق که اتفاقاً در روز ۲۸ مرداد ۱۳۵۷، درست یک ربع قرن بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ روی داده بود چنان به سرعت و شتابزده پیش رفت که دولت آشتی ملی شریف امامی هم نتوانست کاری بکند. اما در همان زمان چند تن از آدمهای مطلع تر به من گفتند که این آتش سوزی به دست مخالفان رژیم و بیشتر مخالفان مذهبی تدارک دیده شده و عملاً قصد آنان متهم ساختن رژیم و متفر کردن مردم بوده است. حالا اسمال در آستانه سی امین سال این اتفاق فکر کردم که بد نیست به این واقعه تاریخی که هیچگاه بدون تاریخ نخواهد شد بپردازم: ولو اینکار چند شماره از یادداشتهای من به خود اختصاص دهد. در این فکر بودم که متوجه شدم گروه تحقیقاتی «رادیو فردا» دو سال پیش به این موضوع پرداخته و یک گزارش رادیویی جالب و جامع تهیه کرده است. از یکی از همکاران عزیز خود در آن رادیو، که سابقه همکاری با صفحه یادداشتهای بی تاریخ دارد، خواستم که این تحقیق را در اختیار من بگذارد، خاصه که مشکوک بودن این اتفاق به مرور ایام بر بسیاری ثابت کرده است که این جنایت با سازماندهی قبلی طراحی شده بوده است و نباید از یاد برد که نمایشنامه «معاکبه سینما رکس» یکی از بهترین نمایشنامه های مستند فارسی زبان به نوشته و کارگردانی هنرمند پویانده، پرویز صیاد پرتو افکن بر بسیاری از این سایه ها بوده است. مطالبی که از این هفته از نظر شما می گذرد محصول کوشش گزارشگران رادیو فردا، شهادتهای جنیبی و ذکر شواهد و قرائنی است که نشان می دهد این فاجعه چگونه روی داده و هنوز چه مقدار از گوشه های آن در تاریکی فرورفته و نیازمند روشنگریهای بیشتر است.



هوشنگ نهانوندی از مقامات عالیترتبه دولت وقت در مصاحبه با رادیو فردا اظهار داشت: «۲۴ ساعت پس از این که این حادثه اتفاق افتاد آیت الله خمینی در مصاحبه ای با روزنامه لوموند اعلام کرد دولت می خواهد این جنایت را به مخالفان رژیم سلطنتی منتسب کند و من را متهم کند به این کار، در حالی که ما دست نداریم. عجیب در این است که هیچ کس ایشان را متهم نکرده بود در آن موقع و هیچ کس نمی دانست که چه کسی این کار را کرده.»

اما شیوه ها و ترفندهایی که انقلابی ها در برخورد با رژیم شاه به کار می بردند، و معمولاً با استفاده از احساسات مذهبی مردم و به گونه هایی بسیار متفاوت بود.

به عنوان نمونه به برخی از اطلاعیه هایی که آن زمان توسط نیروهای انقلابی در توضیح عملیاتشان منتشر می شد، اشاره می کنیم. این اعلامیه ها از مجموعه کمیته کیفی در سال انقلاب برداشت شده است:

اطلاعیه اصناف اصفهان:

روبودن آیت الله طاهری خشم آنها را نسبت به رژیم طاغوتی پهلوی زنده کرد و حملات بی شمار خود را به بانک ها به نشانه اعتراض به رباخواری و تراکم و تکثیر که باعث فاصله طبقاتی گردیده و هتل و سینماها را که باعث ترویج فساد و از بین رفتن اخلاق اسلامی بودند آغاز کردند. که حدود ۸۵ بانک را به آتش کشیدند، سینما شهر فرنگ را منفجر نمودند و هتل پل را که مرکز عیاشی خارجیان و هتل شاه عباس را که محل جلوس خاندان کثیف پهلوی بود با کوکتل مولوتف مورد حمله قرار دادند.

یکی از گروه های انقلابی آن زمان **بیتقم** **obou** که بعد از انقلاب به همراه چند گروه دیگر انقلابی

۱۳۹۸ برابر با ۲۲ مرداد ۱۳۵۷ - یعنی ۶ روز پیش از واقعه - آیت الله خمینی نیز استناد می کردند که از قول



روحانیت کند، در حالی که هنوز هیچ کس سخنی از **بیتقم** **obou** ؟ ؟ ؟ را بنا نهادند، داشتند روحانیت در این فاجعه به میان نیاورده بود. دکتر عملیات زیادی در تخریب و آتش زدن مراکز عمومی انجام

شاه گفته بود: «شاه در یکی از مصاحبه هایش که از نشر آن جلوگیری شده گفته است: در صورتی که من رفتنی باشم ایران را با خاک یکسان میکنم و می روم». آیت الله خمینی تاکید کرده بود که: «جنایات اخیر نشان داد که او مشغول پیاده کردن نقشه خویش است». اما متن مصاحبه مورد ادعای آیت الله خمینی نه در آن زمان و نه بعد از آن هرگز منتشر نشد و مشخص نیست وی از کجا و به چه طریقی از این مصاحبه محمد رضا شاه اطلاع یافته بود.

با این احوال اظهارات آیت الله خمینی - که به عنوان یک «مرجع روحانی» در محافل و مجامع عنوان می شد، در اندک زمانی قبول عام یافت. وی روز بعد از مصاحبه به خبرنگار روزنامه لوموند گفته بود: «رژیم شاه قصد دارد مسؤولیت این حادثه را متوجه

(۱)

آتش زدن جهان اکبر است

بیست و نه سال پیش عصر شنبه ۲۸ مرداد ۱۳۵۷ در گرمای مبارزات انقلابی ضدشاه در ایران، سینما رکس آبادان آتش زده شد و براساس آمار آن روز دست کم حدود ۴۰۰ تن از تماشاچیان در این آتش سوزی سوختند و جان سپردند. نیروهای انقلابی آن روز بلادرنگ مسؤلیت واقعه را متوجه رژیم شاه و سازمان امنیت آن - ساواک - کردند و آن را توطئه ای از پیش طراحی شده برای لطمه زدن به مبارزات مردم قلمداد کردند. گروه های انقلابی به سخنرانی شاه استناد کردند که دو روز پیش از آن با اشاره به آتش سوزی های روزانه در اماکن عمومی چون بانک ها، رستوران ها و سینماها روی می داد گفته بود: «ما به شما نوید و وعده تمدن بزرگ با جزئیاتش را می دهیم و دیگران فکر می کنند که به شما وعده وحشت بزرگ بدهند. حال مقایسه اش با ملت ایران». آیت الله خمینی در اطلاعیه ای که پس از فاجعه سینما رکس منتشر کرد نیز آتش زدن سینما را به رژیم شاه نسبت داد و متذکر شد. «اظهارات شاه در شب پیش از آتش سوزی - مبنی بر این که رژیم او تمدن بزرگ را وعده می دهد و مخالفان وحشت بزرگ - مویده آن است که رژیم شاه مسئول آتش سوزی است.» او در عین حال در این اعلامیه توصیه کرد: «لازم است گویندگان مطالبی را که به نابودی انقلاب رهایی بخش اسلام منجر می شود، برای مردم روشن نمایند». اما آیت الله نگفت این گونه مطالب که به نابودی انقلاب می انجامد، چگونه مطالبی است. علاوه بر این انقلابیون به بیانیه مورخ هشتم رمضان

خاطره ای از:
احمد احرار سردبیر کیهان لندن
صدام تلفنی به شاه خبر داد که عاملان آتش سوزی سینما رکس را دستگیر کرده است
روز هفتم شهریورماه ۱۳۵۷ دنگ هوا کوفنگ صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست و رئیس شورای دولتی جمهوری خلق چین همراه ۴۲ تن از بلند پایگان رژیم پکن به تهران آمد و با شاه دیدار و مذاکره کرد. چند روز بعد از این تاریخ، من و شادروان دکتر محمدرضا عاملی تهرانی (وزیر اطلاعات) و دو تن دیگر - که یکی از آنها در قید حیات است - دیداری داشتیم با مهندس شریف امامی نخست وزیر. دو شب قبل از آن، ضیافتی به افتخار رئیس جمهوری چین از طرف محمد رضا شاه ترتیب یافته بود. شریف امامی حکایت کرد که در سرمیز شام، یکی از آجودانها به شاه نزدیک شد و بیخ گوش او چیزی گفت. شاه از سرمیز برخاست و از تالار پذیرایی خارج شد. غیبت او بیش از ده دقیقه طول کشید که عادی به نظر نمی رسید مخصوصاً در آن شرایط و احوال. سرانجام شاه در آستانه در ظاهر شد اما بی آنکه داخل شود با اشاره دست مرا فراخواند همزمان با سپهبد مقدم رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور هم که در میهمانی شام حضور داشت اشاره کرد که به ما ملحق شود. سپهبد مقدم رفت که جهت رعایت احترامات کلاه خود را بگیرد و بر سر بگذارد، شاه با اشاره به او فهماند که ضرورتی ندارد. باری، رفتیم و به اعلیحضرت ملحق شدیم. ایشان فرمودند صدام حسین بود که تلفن می کرد. گفت عاملان حریق سینما رکس آبادان را که به عراق فرار کرده بودند، ما گرفته ایم و در اختیار داریم. آنها به همه چیز اعتراف کرده اند و آمده بودند که خود را به خمینی برسانند. دولت ایران هر وقت بخواهد آماده ایم آنها را باکم و کیف پرونده و اعترافاتشان تحویل شما بدهیم. شاه از من و مقدم پرسید چه جوابی باید داد. نظر بر این قرار گرفت که از صدام تشکر شود و موجبات تحویل و تحول را فوراً فراهم کنیم. بر این اساس، در حالی که وزارت دادگستری و سازمان امنیت مأمور شدند از طریق قضائی و امنیتی قضیه را دنبال کنند، دکتر عاملی تهرانی هم مأموریت یافت از طرف نخست وزیر بر جریان امر نظارت کند. تا آنجا که من به یاد دارم شادروان دکتر عاملی به خوزستان رفت و دنبال کار را گرفت و گزارش مبسوطی تهیه کرد و ابتدا قرار بود این گزارش برای اطلاع عموم منتشر شود ولی گویا از این تصمیم به دلایلی منصرف شدند و انتشار آن را موجب بروز مشکلات بیشتری بین دولت و روحانیون تشخیص دادند با به این نتیجه رسیدند که کسی باور نخواهد کرد و خواهند گفت پرونده سازی ساواک است. در هر حال، یکی از دلایل اعدام دکتر عاملی این بود که او مردی بود که زیاد می دانست.

می داد و نتایج آن را منتشر می کرد.

اعلامیه نظامی شماره ۱
«ساعت ۲۱ شرعی روز یکشنبه ۲۲ مرداد ۵۷ یک واحد از گروه توحیدی صف توسط بمبی که در رستوران خوانسالار که محل شرباخواری و عیش و نوش عده ای از آمریکائیان رذل و پست بود کار گذاشته بودند این عیاش خانه را منفجر کردند و همگی سالم به پایگاه بازگشتند. در این عملیات در حدود ۷۰ نفر از نقرات خصم کشته و زخمی شدند. این عملیات به پشتیبانی از مردم و روحانیت که رهبری جنبش اسلامی ملت ما را به زعامت امام خمینی...»
این اعلامیه افزوده بود:
«مردم رقااص خانه کلید طلایی و هزار و یک شب و چند بانک را به آتش کشانیدند، در این راه ما تربیت شدگان مکتب تشیع که استراتژی مان براساس کار ایدئولوژیک سیاسی نظامی می باشد...»
گروه توحیدی صف در آستانه ماه رمضان مصادف با مرداد و شهریور ۱۳۵۷ - همان ماهی که سینما رکس آتش زده شد - در اطلاعیه ای اعلام کرد:
«در این ماه مبارک که ماه جهاد اکبر است تا خود را آماده کنیم برای جهاد اصغر، باید هشیاری خود را حفظ کنیم و نیروهای خود را سازماندهی کنیم و از حرکت های پراکنده به شدت دوری کنیم و به اعتصابات و تظاهرات خشن دست بزنیم و هرجا با مراکز و اماکنی روبرو شدیم که حرمت این ماه را نگاه نداشتند، با شدت عمل با آنها مبارزه کنیم.»
یکی از شخصیت هایی که پس از انقلاب و در دادگاه رسیدگی دنباله مطلب در صفحه ۲۳

Bascom Florist & Gifts گلفروشی بسکام

ما پیام شادی، عشق و یا همدردی شما را با زبان گل ها ابراز می کنیم!

ارسال گل به سر تا سر آمریکا در اسرع وقت و با مناسبترین قیمت

کلیه سفارشات برای هر نوع مراسمی پذیرفته می شود!

**Senior Citizen
25% discount**

**Mention this ad &
get 10% discount**

(408) 558-9509

**Toll Free: 1-888-SIX-ROSE
(749-7673)**

2089 S. Bascom Ave., Campbell, CA 95008

- ❁ سالگرد ازدواج
- ❁ تولد
- ❁ کریسمس
- ❁ عقد و عروسی
- ❁ روز مادر
- ❁ روز پدر
- ❁ روز عشق
- ❁ سوگواری